

مصاحبه با آذر ماجدی
ضرورت تمایز گرایشات
جنبش حقوق زن



پروین کابلی: آذر ماجدی شما اخیراً مباحثی در رابطه با جنبش برابری طلب زنان در ایران و خصوصیات این جنبش مطرح کرده اید. بطور نمونه در مورد ۲۲ خرداد و فعالین زن در ایران. بعنوان اولین سوال، اهمیت این مباحث در چیست و بنظر شما چرا برای فعالین جنبش آزادی زن مهم است که وارد این جدل شوند؟

آذر ماجدی: یکی از مباحثی که من بارها به آن اشاره کرده ام، وجود گرایشات متفاوت درون جنبش حقوق زن است و این مساله که هر یک از این گرایشات چه جنبش های وسیع تر سیاسی- اجتماعی در جامعه را نمایندگی میکند. این بنظر من مبحث بسیار مهمی است. چرا؟

جنبش های مختلف افق های متفاوت، تمایلات و مطالبات و انتظارات متفاوتی را نمایندگی و بیان میکنند. یک فعال، رهبر عملی یا جریان بسته به اینکه به چه جنبشی تعلق دارد چهارچوب، روش ها و انتظارات متفاوتی بر مبارزه اش حاکم میشود. توضیح میدهم.

بطور مثال در جامعه بطور مشخص سه جنبش اصلی سیاسی موجود است: گرایش ملی- اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری. هر یک از این جنبش ها در جنبش حقوق زن نیز نمایندگی میشوند. با این تفاوت که بنظر من در جنبش حقوق زن دو گرایش اصلی وجود دارد. یکی گرایش ملی- اسلامی و دیگری گرایش رادیکال برابری طلب که با کمونیسم کارگری هم خون و نزدیک است. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب بعنوان یک جریان مستقل با مشخصات متمایز درون جنبش حقوق زن نمایندگی نمیشود. این جنبش درون گرایش ملی- اسلامی مستحیل است. تفاوت های کوچکی این دو جنبش را در عرصه حقوق زن از هم متمایز میکند. بویژه اینکه جنبش ناسیونالیسم پرو غرب سخنگو یا رهبر فعال و متمایزی در این عرصه ندارد و عموماً از مبارزات ملی- اسلامی ها دفاع میکند.

به این ترتیب روشن است که گرایش ملی- اسلامی میکوشد

ادامه در صفحه ۲



سخن سردبیر!

آزادی جنسی، یک خواست به حق
جنبش برابری طلب!

این روزها سرنوشت پگاه امام بخش لژیون ایرانی تبار در انگلیس توجه اذهان عمومی و سازمانهای حقوق بشر را به خود جلب نموده است. در خواست پناهندگی پگاه رد شده و فرار است که روز ۲۷ اوت به ایران بازگردانده شود. باید از حق پناهندگی پگاه دفاع نمود و اجازه نداد که وی به جهنم جمهوری اسلامی بازگردانده شود. بازگشت پگاه به معنای مرگ وی میباشد.

دفاع از پگاه تنها دفاع از حق انتخاب محل سکونت نیست. بلکه دفاع از حق انتخاب چگونه زیست هم هست. آزادی داشتن رابطه جنسی بدون قید و شرط برای برزگسالان یک خواست جنبش برابری طلب است. اینکه در ایران اسلامی ضوابط داشتن سکس بر اساس قوانین شریعت است یک تلاش مزبوحانه رژیم برای سرکوب ابتدائی ترین خواست انسانهاست. آمار قتلهای ناموسی، فرار دختران جوان، رابطه خارج از ازدواج (که مجازات سنگسار دارد)، ظهور علنی همجنسگرایان (که حتی منجر به اعدام آنها هم میشود) و داشتن سکس قبل از ازدواج همه و همه نشان از آن است که علیرغم تلاش برای اسلامیزه کردن جامعه، سکس و ایجاد رابطه جنسی بر اساس یک انتخاب آزاد به عنوان یک حق انسانی را نمیتوان با هیچ قانون و شریعتی سرکوب کرد. آزادی جنسی و رهائی جنسی یک خواست برحق جنبش برابری است. از این خواست باید به روشنی دفاع کرد و در مقابل قوانین ارتجاعی و سنت های عقب مانده و عصرحجری و باورهای پدسالارانه باید ایستاد و با آنها مقابله نمود.

دفاع از پگاه دفاع از این خواست است. سازمانهای دفاع از حقوق بشر و زنان باید در همبستگی با جنبش برابری طلب از خواست آزادی جنسی در ایران دفاع کرده و همزمان به دفاع از پگاه بپردازند.

سازمان آزادی زن در تلاش برای نجات پگاه همراه دیگر سازمانهای دفاع از حقوق بشر همه انسانهای آزادیخواه را به این کمپین فرا میخواند. همچنین در این رابطه پتیشنی اعتراضی در آدرس زیر را میتوان امضا نمود.

www.petitiononline.com/pegah/petition.html

و دیگر اینکه،

این هفته مصاحبه ای دارم با آذر ماجدی. در این مصاحبه آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن به تفسیر بیشتری در رابطه با دیدگاه های خود به نقد و بررسی جنبش زنان می پردازد. دنباله این مصاحبه را در شماره آینده ملاحظه خواهید کرد. اما تلاش من این خواهد بود که با کسان دیگری که در رابطه جنبش برابری طلب در ایران صاحب نظر هستند صحبت کنم. امیدوارم بتوانیم در شماره های آینده به این هدف برسیم. از همین جا از همه این دوستان برای شرکت در این مصاحبه ها و میزگردها دعوت میکنم.

پروین کابلی

تحركات بشکل سازمان یافته نیست، معمولا جامعه شناسان و رسانه‌های باطرف بین المللی این مختصات را به پای جنبش زنان و بخصوص گرایش رادیکال نمی‌گذارند.

روشن است که تحت این اختناق دهشتبار گرایش رادیکال به اسم خود نمیتواند تظاهرات یا حرکتی را سازمان دهد. برای ملی-اسلامی‌ها این کار بسیار آسان‌تر است. اما ۲۲ خرداد دو سال پیش، ما شاهد دو حرکت بودیم. در آنجا به روشنی صف ملی-اسلامی‌ها از رادیکال‌ها جدا بود. و این در شعارها و شیوه مبارزه‌شان خودنمایی میکرد. ۸ مارس یک نمونه دیگر است. حرکت‌هایی که توسط ملی-اسلامی‌ها سازمان می‌یابد انعکاس رسانه‌ای گسترده‌تری پیدا میکند. بعلاوه، بعلمت اختناق شدید و ماهیت سرکوبگرانه رژیم، رهبران عملی جنبش رادیکال زنان معرّفه نیستند و این فعالیت را برای این گرایش پیچیده‌تر میکند.

پروین کابلی: آیا در این صورت شما حرکتی که خود را بعنوان تغییر برای برابری مطرح کرده و جمع آوری یک میلیون امضا را در دستور کار خود قرار داده رد میکنید؟

آنر ماجدی: خیر. ما از این حرکت بطور مشروط دفاع کردیم. بنظر من این یک ابتکار خوب است. ظرفیت‌های خوبی برای بسیج و به میدان آوردن زنان دارد. در عین حال رژیم اسلامی را زیر فشار میگذارد. به این معنا این حرکت مثبت است و ما از آن حمایت کردیم. ما فعالین رادیکال را دعوت کرده ایم که در این حرکت شرکت کنند و بکوشند افق آزادی زن را بر آن حاکم کنند.

خاتمی را مردم آزمایش کرده اند. این حرکت برخی فعالین حقوق زن بضرر جنبش حقوق زن است. اگر این فعالین تأثیری بر روی افکار فعالین جنبش حقوق زن داشته باشند این حرکتشان عملا موجب توهم آفرینی میشود.

اگر مبارزه جنبش حقوق زن خود را به دستیابی به این بهبودها محدود کند، دارد آب در هاون می‌کوبد. اما اگر با محل مبارزه برای بهبودهایی، تلاش کند جنبش توده ای زنان را سازمان دهد و به میدان بیاورد و رژیم اسلامی را یک لحظه راحت نگذارد و یک مقاومت گسترده را در جامعه جاری کند، آنگاه قادر خواهد بود که نه تنها بهبودهای



کوچک، بلکه تغییرات اساسی نیز حادث کند.

جنبش حقوق زن طی ده سال اخیر همواره فعال بوده است. جنبش حقوق زن یکی از مهمترین جنبش‌های اجتماعی-سیاسی در جامعه است. این را از عکس العمل رژیم به این جنبش، به مسائل مربوط به زنان و به زنان بطور کلی میتوان دریافت. مقاومت زنان، بخصوص نسل جوان در مقابل حجاب، آپارتاید جنسی، حق تحصیل و کار و غیره یکی از ارکان مهم فعالیت این جنبش است. اما از آنجا که این

دوره بهبودی که در وضعیت زنان یا در قانون بنفع زنان به وجود آید، استقبال میکنیم. این را بارها اعلام کرده ایم. اما لازم است که به دو نکته در این رابطه اشاره کنم. اول، این مساله باعث نمیشود که ما تقدمان را با تمام عمق و شدت آن علیه رفرمیسم، پراگماتیسم و مامشات جویی اعلام نکنیم و تلاش نکنیم که این نقد را بر جنبش حقوق زن حاکم کنیم. بدون چنین نقد و همه گیر شدن آن، جنبش حقوق زن دستاورد قابل ملاحظه‌ای نخواهد داشت و سرش به سنگ خواهد خورد. دوم، مبارزه برای تغییر در قانون و بهبودهای کوچک زمانی بنفع جنبش حقوق زن است که همراه با حاکم شدن افق تنگ اصلاح طلبانه بر

همان افق تنگ، مطالبات دم بریده، روش‌های مامشات جویانه و انتظارات ناچیز جنبش مادر خود را بر جنبش حقوق زن حاکم کند. اما جنبش رادیکال و برابری طلب افق بسیار وسیعتری از آزادی و برابری را نمایندگی میکند. مطالباتش بسیار گسترده و رادیکال است. حاضر به مامشات با حکومت نیست. سکولاریست است و با مذهب اگر بکلی مخالف نیست با آن میانه خوبی ندارد. با شرق زدگی که از مختصات پایه ای ملی-اسلامی‌ها است متضاد است.

این تفاوت‌ها بسیار مهم و پایه‌ای هستند و باید خطوط آن روشن و برجسته شود. فعالین جنبش حقوق زن باید این تفاوت‌ها را به روشنی بشناسند و صفوف خود را متمایز کنند. تسلیم شدن به افق ملی-اسلامی تمام مطالبات و خواسته‌های رادیکال و پایه‌ای زنان را زیر آب خواهد کرد.

پروین کابلی: شما از دو گرایش در جنبش آزادی زن صحبت میکنید. گرایش اول که شما به نقد آن میپردازید در سالهای اخیر حرکت‌هایی را در دفاع از حقوق زن در ایران سازمان داده است. این گرایش تلاش دارد قانون اساسی را به نفع زنان تغییر دهد، میکوشد بر نتیجه انتخابات تأثیر بگذارد و از کاندیداتوری معین دفاع میکند. شما این جریان را پراگماتیست و اصلاح طلب میدانید. ممکن است از شما بپرسند، خوب این چه اشکالی دارد؟ آیا معین بهتر از احمدی نژاد نیست؟ آیا فکر نمیکنید که میتوانست معادله را کمی به نفع زنان تغییر دهد؟

آنر ماجدی: اول روشن کنم که من یا سازمان آزادی زن از هر

از معجزات اسلامی؟ یک لزبین سوسیالیست انگلیسی در صف نصرالله!

آذر ماجدی

چند روز پیش یکی از دوستان دخترم به دیدن من آمده بود. درباره مسائل مختلف با هم صحبت میکردیم. یاد نیست در چه متنی بود که او به یکی از دوستانش اشاره کرد، یک دختر جوان انگلیسی لزبین سوسیالیست که در اتاقش یک پوستر بزرگ زده: "ما همه نصرالله ایم!" نظر مرا میخواست. میدانست که این شعار با اعتقادات دختر در تناقض است. نمی فهمید که پس چگونه چنین پوستری روی دیوار اتاق دوستش پیدا شده. کمی هم شاید مردد بود که اشتباه میکند. شاید مساله ای هست که او از درکش عاجز است. ظاهرا با دوستش بحثی هم در این مورد داشته و هیچکدام نتوانسته دیگری را قانع کند.

جای تاسف است. پیش خودم فکر کردم که وای بر ما که انسان هایی از فرط مخالفت با سیاست های دولت های آمریکا و بریتانیا رو به اسلام سیاسی و نصرالله آورده اند. میشد مثل بعضی از دوستان گفت اینها "چپ لونتیک ضدامپریالیست هستند!" و گریبان خود را خلاص کرد. ولی کاش مساله به این آسانی بود. "لونتیک ضدامپریالیست" خواندن هرکسی که به دفاع از اسلام سیاسی بلند میشود، روشی سطحی است.

ادامه در صفحه 4

یک مبارزه اجتماعی و سیاسی است. قرار نیست که افراد تعلقات ایدئولوژیک یا سیاسی خود را پنهان کنند و باصطلاح با پوشش بیطرفی فعالیت کنند. من با این بند مخالفم چون با نفس آن مخالفم. بنظر من اسلام با حقوق زن کاملا مغایرت دارد و باید این را به مردم و جامعه اعلام کرد. متوجه هستم که در پلاتفرم چنین کمپینی تحت حکومت اسلامی این کار میسر نیست. پس به این دلیل، و تنها به این دلیل باید این مساله را مسکوت گذاشت، نه اینکه عکس آن را اعلام کرد. نه اینکه عملا دروغ گفت.

ببینید هر کس دارای یک جهان بینی است. من به ایدئولوژی در این ظرفیت مینگریم. اما یک جنبش دفاع از حقوق زن یا یک سازمان زنان قطعاً میتواند بدون تعلق ایدئولوژیک مبارزه کند. سازمان آزادی زن هیچ ایدئولوژی معینی را نمایندگی نمیکند. در پلاتفرم و اساسنامه اش هیچ ایدئولوژی معینی مطرح نشده است. هر کس با هر ایدئولوژی میتواند به این سازمان بپیوندد. اما بسیاری از رهبران این سازمان کمونیست اند. متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و حزب اتحاد کمونیسم کارگری اند. این مساله سازمان آزادی زن را ایدئولوژیک نمیکند.

کند باید به حزبی که این هدف را دارد بپیوندد.

اما بخش دوم سوال. در پاسخ به سوال قبل هم اشاره کردم. این کمپین ظرفیت های بسیاری دارد. اما سوال اینجاست که رهبران فعلی آن حاضرند یا قادرند که این ظرفیت ها را بکار گیرند؟ به این خاطر است که اتفاقاً بسیار ضروری است فعالین رادیکال و برابری طلب در این کمپین فعال شوند و اجازه ندهند که این کمپین عقیم یا دم بریده شود.

پروین کابلی: مهرداد درویش پور در مصاحبه ای با رویا صحرایی میگوید: "طرح فرمول بندی های اعتقادی، (اشاره به بیانیه یک میلیون امضا که میگوید برابری حقوق زن با مرد مغایرتی با اسلام ندارد) به جای تمرکز گفتگو در باره مشکلات زمینی و امروزی زنان، عملاً این جنبش را از درون به تنش های ایدئولوژیک سوق میدهد." نظر شما در این مورد چیست؟ آیا این بند این کمپین را ضعیف میکند؟ آیا میشود بدون ایدئولوژی یک جنبش، بویژه جنبش زنان را پیش برد؟

آذر ماجدی: بنظر من این بند این کمپین را تضعیف میکند، اما نه به دلیلی که آقای درویش پور اعلام میکند. تنش در میان گرایشات مختلف از ملزومات

این کاملاً ممکن است. نقد ما به این کمپین یکی عدم طرح دو مطالبه مهم، حجاب و آپارتاید جنسی است و دیگری مباحثی که از طرف برخی سخنگویان آن در دفاع از اسلام انجام گرفته است.

پروین کابلی: شما وارد بحثی میشوید که انتهای آن به سرنگونی رژیم میرسد. آیا فکر میکنید که جنبش آزادی زن میتواند وارد چنین مقوله ای بشود؟ فکر نمیکنید که جنبش یک میلیون امضا میتواند نیروی خوبی را دور خود جمع کند و حتی بسیج کند و بتواند که حرکتی را برای تغییر قوانین سازمان دهد؟

آذر ماجدی: قطعاً جنبش آزادی زن میتواند به این مقوله بپردازد. در شرایط جامعه ایران باید بپردازد. اینکه یک سازمان مدافع حقوق زن امر سرنگونی نظام را در پلاتفرم خود قرار ندهد، امری مجزا است. این سازمان برای مطالبات معینی مبارزه میکند. جنبشی را برای دستیابی به این مطالبات بسیج میکند. اما در این بسیج و سازماندهی روشن است که سرنگونی رژیم بعنوان یک شرط مطرح میشود. بنظر من یک سازمان مدافع حقوق زن بطور بلافاصله امر سرنگونی را در پلاتفرم خود مطرح نمیکند. کسی که میخواهد رژیمی را سرنگون

از میان خبرها

دستگیری نزدیک به ۴ هزار زن به عنوان بدحجاب در گیلان

خبرگزاری فارس به نقل از پلیس گیلان خبر داد، به منظور جلوگیری از خدشه دار کردن اقتدار نظام جمهوری اسلامی و از بین بردن زمینه ها و بسترهای تهاجم و استحاله فرهنگی ماموران پلیس 3 هزار و 925 نفر از

دمار از روزگار میلیون ها انسان درمیآورد. قاتل سارای یازده ساله، دعای هفده ساله و 40 نفر دختر و زن جوان دیگری که پس از سنگسار وحشیانه دعا بدست دیوانگان اسلامی کشته شده اند، جنبش اسلامی است. این جنبش را باید از ریشه خشکاند و عقل را به جامعه بازگرداند.

نقل از نشریه "برای یک دنیای بهتر" شماره 12

www.for-abetterworld.com/nashryeh/

یکی دیگر از محصولات حمله نظامی آمریکا به عراق و رها کردن هیولای اسلام سیاسی بجان مردم، سنگسار این دختر یازده ساله بجرم دوست داشتن پسر همسایه است. پدری که دختر خود را سنگسار میکند در عالم انسانی فقط میتوان دیوانه نامید. در بخشی از جهان که زیر دست و پای اسلامیت ها لگد مال میشود، از این دست دیوانگان هر روزه دسته دسته تولید میشود. و ما شاهدیم که این جنون اسلامی دارد هر روزه

بانوان بدحجاب را دستگیر کردند که از این تعداد، 2 هزار و 77 نفر به مراجع قضایی معرفی شدند.

همچنین به 25 هزار و 214 نفر از بانوان بدحجاب تذکر داده شد و از يك هزار و 849 نفر نیز تعهد کتبی اخذ شد. همچنین 17 واحد صنفی ضمن اخطار و تذکرات لازم، پلمب شد.

سنگسار یک دختر 11 ساله در

خانقین عراق

ستم بر زن موقوف!

اطلاعیه

انجمن تفکر آزاد مسی ساگا
برگزار میکند



مذهب و آزادی فردی

انجمن تفکر آزاد مسی ساگا
Mississauga Freethought Association
ایالت انتاریو
در کانادا پانل بحث و جدلی را
فراخوان داده است با عنوان
"مذهب و آزادی فردی". در
این پانل سخنرانان زیر شرکت
خواهند داشت:

دکتر کریستوفر دی کارلو
فیلسوف در علوم انستیتو
تکنولوژی انتاریو و نویسنده ،
ال فاروغ **خاکی** فعال حقوق
بشر و پناهندگی و از فعالین
اصلاح مذهبی در اسلام و
اولین زن امام جماعت، **هما**
ارجمند عضو دفتر سیاسی
حزب اتحاد کمونیسم کارگری
و از فعالین کمپین علیه مدارس
مذهبی و **لوسی رید** عضو تیم
منبع چند مذهبی دانشگاه گولف
کانادا و کشیس انجلیکا

این برنامه در تاریخ ۱۸
سپتامبر ۲۰۰۷ در محل
دانشگاه تورنتو شعبه مسی
ساگا، ساختمان **CCT**، اتاق
CC1080 ساعت ۷ بعد از ظهر
برگزار میشود و شرکت در آن
برای عموم آزاد است.

جمعهای آزادی زن را
تشکیل دهید!

از میان خبرها

سخنرانی هما ارجمند در
تورنتو

مرکز تحقیق انتاریو
for Inquiry Ontario

در کانادا سلسله جلسات
سخنرانی ترتیب داده است که
اساسا بررسی جنبشهای ضد
دینی و سکولار در سطح کانادا
و دنیا را در دستور خود دارد.
این مرکز نهادی است آتئست و
هیومنیت که در کمپین "یک
سیستم آموزشی واحد" نیز
وسیعاً درگیر میباشد.

این مرکز جلسه ۳۱ ماه اوت
خود را به "چشم انداز
دموکراسی سکولار در ایران"
اختصاص داده بود و در این
رابطه از **هما ارجمند**، عضو
شورای رهبری سازمان آزادی
زن، عضو دفتر سیاسی حزب
اتحاد کمونیسم کارگری،
مسئول کمپین بین المللی علیه
دادگاههای اسلامی در کانادا و
از فعال کمپین علیه مدارس
مذهبی و **دکتر هوشنگ حسن**
یاری پرفسور و رئیس بخش
سیات و اقتصاد کالج رویال
میلتاری کانادا و همچنین **حسن**
زهری سردبیر نشریه هفتگی
شهروند بعنوان سخنرانان
دعوت بعمل آورد. این جلسه
برای عموم آزاد بود و تعداد
قابل توجهی از ایرانیان مقیم
کانادا و شهروندان کانادایی در

از سایت آزادی زن
دیدن کنید!

www.azadizan.com
www.azadizan.net

بالاخره، این دختر از نظر
سیاسی و اجتماعی به آن بخش
از جامعه تعلق دارد که به رفاه
دیگران می اندیشد و برای آن
ارزش قائل است، وگرنه
سوسیالیست نمیشد. با این وجود
یک جنایتکار مرتجع تروریست
به قهرمانش بدل شده است. این
پدیده را باید جدی گرفت.

زمانی که دو شیطان در مقابل
هم صف آرائی میکنند، تمایل
خودبخودی و پراگماتیسم
موجود در اکثریت مردم، آنها
را به انتخاب آن شیطانی که
کمتر بد بنظر برسد میکشاند.
این پروسه طبیعی و
خودبخودی است. تنها راه
مقابله با این شرایط ایجاد یک
آلترناتیو دیگر، یک قطب سوم
و بعلاوه یک مبارزه همه جانبه
برای ارتقاء آگاهی به ماهیت
هر دو طرف است. این وظیفه
ماست. ما باید یک مبارزه همه
جانبه علیه هر دو قطب
تروریسم و ارتجاع سازمان
دهیم. اسلام سیاسی و تمام
ارتجاع و توحشی که نمایندگی
میکند را باید افشاء کنیم. به یمن
سیاستهای قطب دیگر
تروریسم، اسلام سیاسی
ظاهری رهایی بخش بخود
گرفته است. باید این ظاهر را
درید. باید باطن آن را به همه
نشان داد. یک کار پیگیر و همه
جانبه نیاز است.

نقل از نشریه "برای یک دنیای
بهتر" شماره ۱۲

www.for-abetterworld.com/nashryeh/

نشریه آزادی زن از نقد
و پیشنهادات شما استقبال
می کند.
مطالب، انتقادات و
پیشنهادات خود را برای
ما ارسال کنید.

درد کسی را درمان نمیکند. به
این مساله پاسخ نمیدهد که چرا
در لبنان نصرالله این چنین
محبوب شده است؟ و چرا در
غرب انسانهایی که به جنگ
عراق، به حمله اسرائیل به
لبنان و فلسطین، به تحریم
اقتصادی مردم فلسطین و اکنون
مردم اسیر شده در نوار غزه
اعتراض دارند، به مدافعین
حزب الله و اسلامیت ها
گرویده اند؟

روزنامه لوموند سال گذشته به
همین مساله اشاره کرده بود.
بعد از ۱۱ سپتامبر جوانان
بسیاری بر روی تی شرت شان
نوشته بود: ما آمریکایی هستیم!
بعد از حمله به لبنان، ما همه
نصرالله ایم بر روی تی شرت
ها نقش بسته بود. یک جریان
جدی عمیق کمونیستی باید
برای این پدیده های مهم
اجتماعی پاسخ داشته باشد.
ممکن است بتوان رهبران
جریان حزب کارگران
سوسیالیست بریتانیا را با
برچسب "چپ لونتیک ضد
امپریالیست" توصیف کرد، اما
این خیل جوانانی که از این همه
قلدری و جنگ و خونریزی
خسته شده اند و از نبود
آلترناتیو به این صف پیوسته اند
را خیر.

این دختر جوان قاعدتا همه
مواد لازم برای تف انداختن به
روی نصرالله را داراست.
بطور خودبخودی، بدون هیچ
شنستشوی مغزی و قلب
ایدئولوژی ارتجاعی بجای
ایدئولوژی رهایی بخش، یک
زن جوان علیه اسلام سیاسی
خواهد بود. زن ستیزی این
جنبش و ایدئولوژی آشکار
است. بعلاوه این دختر لزبین
است. همه میدانند که حکم
همجنس گرایی در اسلام مرگ
است. در ایران و کشورهای
اسلام زده هم جنس گرایان را
دسته دسته اعدام میکنند. و

ستم بر زن موقوف!



نامه سرگشاده حزب اتحاد کمونیسم کارگری به تمامی سایتها، نهادها، سازمانها و احزاب مخالف اعدام
به کمپین روز جهانی "علیه اعدام، علیه رژیم صد هزار اعدام" بپیوندید!

دوستان و رفقای عزیز

سلامهای گرم ما را بپذیرید. همانطور که مطلع هستید، روز ۱۰ اکتبر - ۱۸ مهر، روز جهانی علیه اعدام در سطح جهان است. اما امسال در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی بساط اعدام را در سطح جامعه برپا کرده است، سازمان عفو بین الملل، ائتلاف جهانی علیه اعدام و همچنین برخی از "ان جی او" ها قطعنامه ای را به مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ اکتبر مبنی بر توقف اعدام در سطح جهان ارائه خواهند کرد. این اقدام گامی موثر در جهت لغو قانونی "مجازات اعدام" در سطح جهان است.

از این رو حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمپینی را بنام "علیه اعدام، علیه رژیم صد هزار اعدام" بمنظور گسترش این مبارزه اعلام کرده است. تلاش ما این است که مبارزه "علیه اعدام" را به مبارزه علیه "رژیم اسلامی اعدام" گره بزنیم. جمهوری اسلامی حکومت اعدام و چوبه های دار است. مصداق بارز حکومت اعدام در سطح جهان است. بدون اعدام و سرکوب قادر به دوام نیست.

ما از تک تک شما نیروهای مخالف مجازات ضد انسانی اعدام درخواست میکنیم که در ادامه فعالیتهایتان علیه اعدام به این کمپین جهانی بپیوندید. نیرو و توان سیاسی و مبارزاتی خود را پشتوانه پیشروی این کمپین جهانی کنید. دخالت موثر و قدرتمند شما میتواند فضای سیاسی و مبارزاتی لازم را برای برچیدن بساط اعدام در جهان و در ایران بوجود آورد.

دستتان را میفشاریم و برایتان آرزوی موفقیت میکنیم!

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ سپتامبر ۲۰۰۷

نمیدانست این زن و شوهر بیچاره را به سنگسار محکوم کرد. این زوج در طول این مدت در انتظار اجرای حکم خود در زندان قزوین به سر میبردند. دوفرزند آنها نیز در این مدت همراه مادر خود در زندان بوده اند.

حکم وحشیانه سنگسار پس از ۱۱ سال علیرغم اعتراضات جهانی بطرز وحشیانهتری ماه گذشته در مورد جعفر کیانی به اجرا گذاشته شد. (برای مطالعه در مورد این اقدام غیر انسانی میتوانید به این آدرس مراجعه کنید.

[www.iranpressnews.com/
source/027873.htm](http://www.iranpressnews.com/source/027873.htm)

وضع روحی مکرمه در زندان پس از سنگسار شوهرش جعفر، اسفناک است. مقامات جمهوری اسلامی طبق معمول به اعتراضات بین المللی واقعی نمی نهند و بیم آن میرود که بزودی این زن بیچاره که مادر دو فرزند است و اینک ۴۳ سال دارد و گناهش دوست داشتن شوهر و بچه هایش میباشد، را سنگسار نمایند.

به حکومت اسلامی ایران اعتراض کنید.

مکرمه ابراهیمی را باید از این مهلکه نجات داد

چنین حکم وحشیانه و ضد انسانی به ندرت در جایی از دنیا سابقه داشته است

یازده سال پیش، شعبه یک دادگاه جنایی تاکستان، شهری در استان قزوین، جعفر کیانی و مکرمه ابراهیمی، زن و شوهری که سالها با هم زندگی میکردند، سند ازدواج داشتند، دارای فرزند بودند و فرزندشان هم شناسنامه داشت، را به اتهام زنای محصنه به سنگسار محکوم کرد. مکرمه سالها پیش شوهر قبلی خود را ترک کرده بود و با جعفر زندگی میکرد.

شوهر قبلی مکرمه پس از سالها جدائی برای اذیت کردن به مکرمه و با استفاده از قوانین ضد انسانی اسلام از او شکایت کرد و قاضی شرع نیز که مانند بقیه مقامات حکومت اسلامی چیزی از قضاوت و به ویژه از انسانیت

آدرس مرکزی سازمان آزادی زن جهت ارسال نشریات و اطلاعیهها

azadizan@gmail.com

آدرس ایمیل خود و دوستانی که مایل هستند را برای ما بفرستید تا نشریات و اطلاعیههای سازمان آزادی زن را به طور منظم برایتان ارسال کنیم

عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید

azadizan-subscribe@yahooogroups.com

با عضویت در این گروه علاوه بر دریافت اطلاعیهها و نشریات در بحثهای جاری این گروه نیز شرکت کنید یا خودتان بحثهای مورد نظرتان را با سایرین مطرح کنید و از نظرات دیگران آگاه شوید
با ارسال یک ایمیل به:

عضو گروه اینترنتی سازمان آزادی زن شوید azadizan-subscribe@yahooogroups.com

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران نیاز قاندى و
اسماعیل اوجی

نه به نابرابری حقوق زن و مرد!